



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۱۰ / ۰۸

یونس نگاه

در پروسه تشکیل ملت، قومیت رنگ باخته و فراموش خواهد شد

پرداختن به مسایل ملی بسیار مهم است. از همین رو من نیز گاهی به بحث‌های قومی و ملی جاری دخالت می‌کنم. عده‌ای سکوت می‌کنند و این بحث‌ها را غیرضروری و مبتذل می‌شمارند. ولی من باور دارم که همه باید حرف خود را در این مسایل بگوئیم تا صداها به‌طور غیرواقعی پانگدار ننمایند. فعلاً با این یادداشت گپ‌ام را در این مورد خاتمه می‌دهم.

هر هویت جمعی از جمله ملت آغاز و پایانی دارد. خانواده، قبیله و قوم بر اساس ضرورت اقتصادی و اجتماعی آدم‌ها در دوره‌های متفاوت زندگی شکل گرفته اند. تاریخ نویسان می‌گویند یک زمان آدم‌ها خانواده نداشتند، و وقتی خانواده تشکیل شد نیز مثل امروز نبود و قواعد دیگری داشت. از جمله زمانی مادران محور خانواده بودند و شهرت فرزندان و هویت خانواده از پدر نمی‌آمد.

تشکیل قبایل هم بخشی از تلاش انسان برای بهتر و قوی‌تر شدن بود. قبایل پوشش حمایتی برای خانواده‌ها و خانوارها می‌ساخت. بعد از تماس و اتحاد قبایل اقوام شکل گرفته بود. قومیت در واقع اولین تلاش آدم‌ها برای بیرون رفتن از روابط خونی و تشکیل اتحاد فرهنگی و اجتماعی فراتر از نسبت‌های خونی بود. در مواردی مناسبات درون قومی شبه دولت بوده است. خان‌ها و ملک‌ها و متنفذین حاکمیت را در درون آن نظام ابتدایی شبه دولت در اختیار داشتند. این دوره برای مدت طولانی موازی با دولت‌ها ادامه داشته است و گذار از قومیت به ملت در بخش‌هایی از جهان از جمله افغانستان طی نشده است.

نکته اصلی این است که گذار از قومیت به ملت با اتحاد شکلی به‌دست نمی‌آید بلکه در این روند قومیت به تدریج رنگ می‌یازد. افغان‌شدن، خراسانی یا افغانستانی یا پشتونستانی شدن مستلزم ترک قومیت است. عکس العمل در برابر افغان از هر دو سوی شوونیزم پشتونی و قوم‌گرایی تنگ‌نظرانه غیرپشتونی نتیجه درک ناقص از پدیده ملت است. یا بهتر است بگوئیم این واکنش‌ها بخشی از درد تولد ملت است.

یک آدم روستایی هزاره باورش نمی‌شود که هزاره افغان می‌شود، جرمن می‌شود، ایرانی یا پاکستانی می‌شود. هزاره اگر افغان هم شود باید هزاره بماند. این در کوتاه مدت شاید ولی در بلندمدت ممکن نیست. هزاره و تاجیک و پشتون نمی‌توانند هم قومیت خود را حفظ کنند و هم ملت تشکیل دهند. یکی را باید قربانی کنند.

تا زمانی که سوته قومیت خود را زیر بغل داشته باشیم، ملت نمی‌شویم و زمانی که شرایط اقتصادی و اجتماعی تشکیل ملت فراهم شد، آن سوته بی‌آنکه خبر شویم از زیر بغل ما خواهد افتاد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

البته بحث برسر چگونگی شکل‌دهی آن هویت تازه طبیعی است. آنانی که در برابر هویت ملی خود حساس‌اند، حساسیت ساختگی ندارند و حق دارند که در تعریف هویت تازه سهم بگیرند و عناصر آن را تعریف کنند. حساسیت‌ها در جریان ملت‌شدن به اشکال گوناگون تبارز می‌یابد. معلم‌کشی، سرک‌پرانی، مکتب‌سوزی، شهرستیزی، نفرت از مناسبات و نظم شهری نیز حاصل درد ملت‌شدن است. همان‌طوری که فرزندان آنانی که معلم سر می‌بریدند، پایه‌های برق خراب می‌کردند و شهر را راکت می‌زدند امروز مکتب‌دوست شده‌اند و مناسبات شهری را پذیرفته‌اند، اگر از چاه طالبان به سلامت بیرون شویم، واکنش‌های قومی و بدوی در برابر مراحل بعدی ملت‌سازی نیز کمرنگ خواهد شد.

به همین دلیل نیروی اصلی خود را باید صرف مبارزه با طالبان کنیم که مناسبات مدنی را هدف قرار داده‌اند و بنیادهای تشکیل ملت را تخریب می‌کنند. توافق برسر نام ملت به تدریج آسان خواهد شد و زمانی که این نسل جن‌زده و عصبانی پیر شوند، این مقاومت قومی و قبیله‌ای در برابر ملت‌سازی نیز مثل جن‌زدگی جهادی و راکت‌پرانی از مد خواهد افتاد.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین